

#### اخبار

#### روایت «ناگهانی» از بحران

**مدیریت**  
علی نیک‌بخت کارگردان مستند «ناگهانی» که در چهاردهمین جشنواره «سینماحقیقت» حضور دارد درباره این اثر گفت: مفهوم کلی مستند «ناگهانی» توریست بحران است. ما در سال ۹۸ بحران‌های زیادی در ایران داشتیم که بخش زیادی از آن طبیعی بود. وقتی در چهار استان لرستان، خوزستان، گلستان و سیستان و بلوچستان سیل آمد مردم زیادی برای کمک از شهرهای خود به سمت این موقعیت‌های بحران‌زده حرکت کردند من در لرستان این مسأله را متوجه شدم که بخش زیادی از خبرینی که در منطقه حضور پیدا کرده‌اند بر اساس داشته‌های خود به منطقه رجوع کرده‌اند نه بر اساس نیازهای منطقه. لذا وقتی این عدم تعادل شکل می‌گیرد، در دل بحران، بذرهایی از بحران‌های بعدی که به شدت هم لایه‌ای است کاشته می‌شود.

این مستندساز ادامه داد: البته بخش زیادی از این بحران‌ها به حوزه‌های فرهنگ، اراده‌های اجتماعی و لا برمی‌گردد. بنابراین این موضوع را برای خودم مسجل کردم و بالاخره در سیستان و بلوچستان توانستم این روایت را ثبت کنم.

وی افزود: برای اینکه بتوانم این قصه و روایت را تثبیت کنم باید انواع و اقسام گروه‌ها را پیدا و با آن‌ها زیست می‌کردم بعد که با آن‌ها هم‌دم می‌شدم تمام نیت‌های خیر آنها و فعالیت‌های‌شان را ثبت می‌کردم از همین رو گروه‌های بازار، بچه‌های آفرودسوار، گروه‌های مردمی و لا از جمله افرادی بودند که من با آن‌ها مصاحبه کردم ولی قبل از مصاحبه، سعی می‌کردم با آنها زیست کنم.

نیکبخت با بیان اینکه ساخت این مستند دو هفته کاری طول کشید، اظهار کرد: این مستند ۳۱ دقیقه‌ای در دل کرونا تولید شد البته این بلوغی که حالا نسبت به کرونا وجود دارد آن موقع اصلاً نبود. سیل اواخر بهمن رخ داد حالی که ۲ اسفند شیوع کرونا به طور رسمی اعلام شد.

این کارگردان با اشاره به نمایش اینترنتی مستندها در این دوره از جشنواره توضیح داد: من جزو آن کسانی هستم که اتفاقات نوین را دوست دارم و قدرت ریسک آن را می‌پذیرم ولی در حال حاضر من فیلمساز نمی‌دانم فیلمم چقدر دیده می‌شود ما به شدت به توانایی‌های فضای مجازی باور داریم ولی متوجه نمی‌شویم این محصول ما را چه کسانی تماشا می‌کنند ضمن اینکه اطلاع‌رسانی چندانی درباره این امر وجود ندارد و صلاحاً «جبهه‌سازی رسانه‌ای» نشده است. هرچند این روزها برنامه‌هایی از صدا و سیما برای معرفی فیلم‌ها بخش می‌شود اما اگر این اتفاق هفته قبل رخ می‌داد حتماً این فضای آنلاین ریتم بهتری پیدا می‌کرد ولی الان من فیلمساز نسبتاً به آن چهل دارم برطرف جمل را می‌شد این جهل را برطرف کرد.

وی با اشاره به اینکه «ناگهانی» در گروه مستند روایت فتح ساخته شده است، مطرح کرد: تجربه زیستم در بحران‌های سال ۹۸ و حضور در مناطق سیل‌زده به من ثابت کرد ریشه بحران‌ها به لحاظ کالبدی در حوزه راه و شهرسازی است یعنی آن دوستانی که اهل طراحی راه شهری و کالبد شهرسازی هستند آن گونه که تخصص دارند، متعهدانه رفتار نکرده‌اند به همین دلیل در پلدختر دچار مشکل می‌شویم، در سیستان و بلوچستان هزار و صد میلیارد تومان به زیرساخت‌ها، پل‌ها و جاده‌ها آسیب وارد می‌شود، اولین جاهایی که در حوزه‌های آسیب‌های می‌بیند مراکزى است که بر اساس طرح‌های پایلوتی در کشور شکل گرفته‌اند در صورتی که حکمت سرزمینی آنها رعایت نمی‌شود یعنی در سیستان و بلوچستان نمی‌بینید در خانه‌هایی که به صورت بومی ساخته شده است، آب برود ولی مدرسه‌ها، دارنکگاه‌ها و ساختمان‌های نیروی انتظامی را آب فرا می‌گیرد.

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

غلامحسین شعبانی

نشانی: میدان انقلاب – خیابان جمنازه‌شمالی پلاک ۳۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:

info@emtiadzaily.ir

تلفن: ۶۶۵۹۳۸۰۹

آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹  
لینوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

## ایام گالری دبی ۲۰۲۱ را با افشین پیرهاشمی آغاز می کند



مرجع معتبر بین المللی، افشین پیرهاشمی در جایگاه ۶۰۵ قرار گرفت. این فهرست در توضیح انتخاب پیرهاشمی نوشته است ۴۲ اثر از این هنرمند بین المللی ایران در حراج‌ها فروخته شده و مجموع قیمت آثارش ۳/۱ میلیون دلار بوده است. بالاترین قیمت چکش‌خورده برای تابلوهای افشین ۵۵۴ هزار دلار است.

اهمیت این رتبه زمانی بیشتر نمود می یابد که بدانیم «آرت‌پرایس»، نقشی راهبردی

این روزها به مرکز نقلی برای نمایش هنر پیشرو خاورمیانه بدل شده، در سال ۲۰۰۶ در دمشق افتتاح شد و اکنون شعبه‌هایی را در بیروت، دبی، لندن و جدّه تأسیس کرده است. خالد و حشام سماوی، موسسان این گالری، در ابتدا به دنبال پیشبرد هنر معاصر در سوریه بودند، اما افزون شعب جدید سبب گسترش فعالیت هنری آن‌ها در سراسر خاورمیانه، اروپا و آمریکا شد. گالری ایام علیرغم وجود جنگ همچنان شعبه خود در دمشق را باز نگه داشته و سکویی بلند برای معرفی چهره های مهم و تثبیت شده هنر خاورمیانه در سراسر دنیا است. گالری ایام دبی در DIFC در مرکز تجارت جهانی، یکی از ارکان قدرت در بازار هنر خاورمیانه است و با تأسیس حراج خانه و برپایی نمایشگاه‌های موفق در لندن و نیویورک ، وپترین باشکوه از پیشرفت هنر معاصر خاورمیانه است که توسط مهم ترین موزه ها ، دیلرها و مجموعه داران هنری رصد و بررسی می شود.

آثار افشین پیرهاشمی بارها در لندن ، میلان، مرکز مریدین و واشنگتن، گالری الون هالند لندن، موزه هنرهای معاصر تهران ... به نمایش درآمده است؛ گالری ایام هم در سال ۲۰۱۳ نمایشگاهی از آثار پیرهاشمی در شعبه دبی و آوریل ۲۰۱۴ نمایشگاه متفاوتی از او در شعبه لندن خود بر پا کرده است.

## کاوری: «شرم» قرار نیست حال مخاطب را عوض کند



سایه شوم گناه در زندگی آدم‌ها می‌تواند محتوای اساسی ماجرا را روشن کند. آدم‌ها کارهایی کردند که نه‌تنها خودشان که تمام اطرافیان آنها هم در عذاب قرار گرفتند. این محتوای اصلی ماجراست.

**و اینکه گناه ممکن است اطرافیان فرد را نیز گرفتار کند.**

بله، دقیقاً همین است. یک مادر با تمام توجه‌هایی که برای خود به‌عنوان یک مادر می‌تواند داشته باشد تا کاری را انجام دهد، سایه شوم این امر اما گریبان آن را گرفته و تا آخر آن را رها نمی‌کند. نه‌تنها او بلکه بچه‌ها، همسر، کارمند و خانواده کارمند و خانواده کسی که بدان ظلم شده را درگیر کرده است. آدم‌های اطرافی که وجود دارند و حتی ساختمانی که ساخته می‌شود به تدریج این تأثیر را می‌گیرند.

**و این ساختمان را می‌توانیم نماد بگیریم؟ اینکه درست ساخته نشده و هر لحظه بیم ریزش آن وجود دارد.**

بله. درست است. همه چیز درحال فروپاشی است و این به شرایط شخصیت‌های سربال قابل انطباق است. تنها چیزی که احساس می‌کنم می‌تواند این اتفاق را به‌گونه‌ای درست کند، بخشش است. یعنی چیزی که جزء صفات خداوند است. بارها در قصه مطرح می‌شود که ببخش! اگر آدم‌ها به یک جایگاهی برسند که نقطه بخشش را درک کنند، فکر می‌کنم خداوند به آدم‌ها لطف می‌کند و همه چیز از هم نمی‌پاشد. امیدوارم که نگاه این‌چنینی به ذهن مخاطب منتقل شده باشد ولی قصه است که در دنیای قصه ما هم به خاطر ناتوانی مخاطب با اتمسفر این قصه، در این است داریم نمی‌توانیم این طور که باید پیغام‌ها را برسانیم گرچه ایجاد فضا می‌کنیم و ما نصیحت‌کار نیستیم. پیام را به شکل مستقیم در هیچ جای قصه نداشتیم که بخواهیم نصیحت و ارشاد کنیم. لایه‌لای این ماجراها و اتفاقات قطعاً مخاطب دریافت‌هایی می‌کند که ارزنده است.



بود یعنی ابتدا از زمان حال شروع می‌کردیم و بعد فلش‌بک‌ها می‌رفت و برمی‌گشت. برای اینکه مخاطب را بیشتر با فضا همراه کنیم بخشی که می‌شد از فلش‌بک‌ها را سرجمعی کنیم و ابتدای قصه بیاییم در ابتدا آوردیم و الان برای گرگشایی روابط، ناگزیر باید ارجاعاتی به گذشته داشته باشیم. به همین خاطر این امر قطعاً خلل در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند ولی چون مخاطب با این شخصیت مرحوم گرجستانی و آقای طهمورت همراه شده، این را می‌پذیرد و بازخوردی که لطمه اساسی به ماجرا زده را دریافت نکردم.

**در کنار تعریف‌هایی که از سربال شرم دیده می‌شود یک نقدی هم مطرح می‌شود و آن هم این است که با وجود اینکه سربال خوب و قوی است ولی با توجه به تلخی و عربانی واقعیتی که دارد شاید الان و در دوران کرونایی زمان مناسبی برای بخشش آن نبود. پاسخ شما برای این نقد چیست؟**

من معتقد هستم تلویزیون به‌عنوان یک رسانه این وظیفه را دارد فضای اجتماعی را به‌گونه‌ای فراهم کند تا آدم‌ها بتوانند از زندگی خود بیشتر لذت ببرند و ناراحتی‌هایی که در ذهن آنها وجود دارد با همراه شدن با سربال‌ها و شخصیت‌ها یا با برنامه‌های تلویزیون کاهش یابد. به شخصه هیچ‌وقت اگر یک فضای غمناکی که در زندگی من حاکم است یا مشکل حادی برای من ایجاد شده، خندانان یا جوک گفتن برای من نه‌تنها روحیه من را درست نمی‌کند بلکه خراب‌تر هم می‌کند. شاید یکی از دلایل هم‌راهی مخاطب با اتمسفر این قصه، در این است که بر جامعه‌مان این جو حاکم است. چرا زمان جنگ فیلم‌های جنگی بیشتر مردم را جذب می‌کرد و مردم بیشتر از این فیلم‌ها لذت می‌بردند؟ مگر آن زمان شهادت، کشته شدن مردم بیگناه نبود؟ ولی با این حال مردم با این تصاویر همراهی می‌کردند. من احساس می‌کنم از نظر روانی درست است که تلطیف کردن روحیه آدم‌ها می‌تواند خوب باشد ولی همراهی‌های آدم‌ها در فضای غمناک با غم بیشتر است و در فضای شادی با شادی همراهی بیشتری دارند. در این فضا مدیر شبکه بر چه مبنای بر چه سیاستی این کار را کرده را جوابگو نیستیم و خود ایشان باید نظرات را بیان کنند ولی احساس می‌کنم بازخوردی که از پخش سربال دارم نشان می‌دهد زمان مناسبی پخش شده است. این ناراحتی برای مردم وجود دارد. این فضایی است که الان من نیز بدان نیاز دارم و دوست دارم غمگین باشم. این سربال به غمگین بودن من کمک می‌کند و من نیز از آن استقبال می‌کنم. الان حوصله شنیدن جوک در این شرایط و خندیدن ندارم و احساس می‌کنم در این سربال کار خود را انجام می‌دهم.

**یعنی قرار نیست سربال فضا را عوض کند بلکه قرار است صرفاً با مخاطب همراهی کند؟**  
روز اولی که کار ساخته شد فضای ذهنی مخاطب جامعه مانند الان نبود ولی قصه‌ای بود که کار کردیم، اگر غمناک بوده توانستیم این غم را به‌گونه‌ای تقویت کنیم. اگر احساساتی برمی‌انگیزد این احساس را تقویت کنیم و بقیه عوامل هم همراه من بودند و اگر قرار بود فضای مفرحی داشته باشد من موظف هستم این فضا را به شکل سالم برای مخاطب تصویر کنم تا بتواند لذت ببرد. قصه فضای غمباری دارد و اینکه می‌خواهیم در چه زمانی آن را پخش کنیم سیاست‌هایی است که وجود دارد و من از آن بی‌اطلاع هستم.

**اگر سربال شرم را بخواهیم در یک جمله توصیف کنیم داستان عذاب وجدان آدم‌هاست یا داستان موقعیت‌های اجباری است که ممکن است هر یک در آن موقعیت قرار بگیریم همان کارها را انجام دهیم؟ درضمن یک ویژگی مثبت این سربال این است که روایت می‌کند و هیچ جانبداری یا قضاوتی نمی‌کند.**  
موضوع اصلی فیلم ما این بود مرحوم گرجستانی را در فیلم بیایوریم. با مخاطب هم خیلی صادقانه صحبت کردیم و گفتیم قرار است ذهن شما به‌گونه‌ای عمل کند که این دو نفر را بپذیرید. هیچ گونه بازخورد منفی نسبت به این امر نداشتیم هرچند محدود بود من نمی‌توانم گفت مطلقاً بازخورد منفی نبود، اما همه با این حس ارتباط برقرار می‌کردند و متوجه شدند این دو فرد یکی هستند و ممکن است توضیح این برای کسانی که دیرتر با سربال همراه شدند توسط آدم‌های دیگر داده شود که هر دو یک شخصیت را بازی می‌کنند. فلش‌بک‌ها در فیلمنامه اصلی بسیار بیشتر

### یک فنجان چای داغ

**طهموری: تغییرات زیادی نسبت به فیلمنامه نداشتیم**
«فنس گرم»، «پدر»، «وارش» و حالا «شرم»؛ سربال‌هایی که الهام طهموری در آنها حضور داشته است. نقش لعیا در شرم اما با نقش‌های قبلی‌اش متفاوت و حتی سخت‌تر هم شده است. حضورش در کنار بازیگران مطرحی مانند پورعرب، گودرزی و سیروس گرجستانی همان‌قدر که استرس‌زا بوده، برایش فایده هم داشته است.

نقش لعیا ازجمله نقش‌هایی است که هر بازیگری می‌خواهد به او پیشنهاد شود، هم قبل و بعد دارد و هم اوج و فرود. از نقش لعیا و آنچه آقای کاوری از این نقش می‌خواست، بگویند.

یک نکته جالبی که وقتی فیلمنامه را می‌خواندم، وجود داشت، این بود که می‌توانستم با یک کاراکتر درواقع دو کاراکتر را تجربه کنم. لعیای ۲۱ ساله و لعیای ۲۹ ساله را تجربه می‌کردم. چه از لحاظ موقعیتی این آدم کاملاً در دو شرایط متفاوت است و چه از لحاظ کاراکتری به‌خاطر آن بیماری و فضا طور دیگری زندگی می‌کند که شاید خیلی چیزها را تجربه نکند و وقتی خوب می‌شود دنیای متفاوتی برایش شکل گرفته است. آدمی که تقریباً از مرگ برگشته و شاید شوق و ولع به زندگی دارد. این برای من جذاب بود. علاقه من به بازیگری برای این بود که فضاهای متفاوتی را می‌توانم تجربه کنم و جالب بود که در یک سربال و یک کاراکتر می‌توانستم دو فضا را تجربه کنم چون فضای کاراکتر زیاد تغییر می‌کند. استرس این را هم داشتم که تفاوت این دو فضا دربیاید. هم از لحاظ سنی و هم از لحاظ تغییر در که پختگی و روزگاری که ایجاد می‌شود، درست دربیاید.

یک شناس خوب هم این بود که بازیگران محبوب مردم هم کنار شما بودند. اینکه آقای پورعرب بعد از سال‌ها بازگشتند، نکته مهمی است. دقیقاً همین‌طور است. هیچ‌وقت در زندگی خود باور نمی‌کردم سوپرستاری را که این همه به‌خاطر او سینما می‌رقتم و او را دوست داشتم، ببینم چه برسد که با او همبازی شوم. به نظر من یکی از بزرگ‌ترین شناس‌هایی که در کل زندگی خود آوردم، همبازی شدن با آقای پورعرب، خانم گودرزی، آقای گرجستانی بود که هم بسیار جذاب بود و هم واقعا دید من نسبت به بازیگری از وقتی با آقای پورعرب بازی کردم، عوض شد. احساس می‌کنم همه آن چیزهایی که فکر می‌کردم بلد هستم، اشتباه بود و کلاس آموزشی برای من بود. شناختی که من دارم این است که این سه نفر جزء افرادی هستند که به بازیگران جوان کمک می‌کنند. یک‌سری بازیگران معروف هستند که کمکی به چهره‌های جوان نمی‌کنند. بله، هم آقای پورعرب و هم خانم گودرزی در این زمینه فوق‌العاده هستند. خانم گودرزی برای من یک مادر شده است. در همه شرایط زندگی به من مشورت می‌دهد و کمک می‌کند. چقدر کاراکتر خوبی درآمده و واقعا به‌خاطر حضور این افراد کار دیده می‌شود و سروسشکل خوبی گرفته است.

درباره نقش لعیا نکته مهم وجود ارتباطاتش با آدم‌های مختلف است. با هرکدام یک جنس و یک نوع رابطه دارد. حتی قصه او با بهزاد و حسام و رابطه با پوران و با حتی رابطه با عزیزآقا این‌چنین است. اینها را چطور تفکیک کردید؟

وقتی فیلمنامه را می‌خواندم یکی از مواردی که توجه من را جلب کرد، روابط آدم‌ها با همدیگر بود. به غیر از لعیا همه کاراکترها روابط خیلی جذابی با هم دارند و خیلی واقعی است. این را دیده‌اید و لمس کردید. در اطراف شما چنین چیزهایی بوده و شاید برای هر دختری یک بهزادی بوده، یک حسامی بوده است. دقیقاً کاراکترها وجود دارند. روابط اینها با مادر خیلی شبیه روابطی است که یک دختر امروزی با مادر خود دارد. ما نمی‌بینیم دختران امروزی «چشم»‌گوی مادر و پدر باشند، آدم‌هایی هستند که می‌گویند برای خود کاراکتر دارم. روابط این برای من ملموس بود و به‌دلیل خوب نوشتن داستان بود. آقای کاوری خیلی خوب این روابط را درآورد. انگاز برای همه من مایه‌زا داشتم.

فیلمنامه‌ای که دست شما رسید با آنچه ساخته شد، متفاوت بود؟ در کلیت تفاوتی نبود.

پس مبنای اعتراض آقای فرهادی چه بود؟ اطلاعات ندارم. من ایشان را ندیدم ولی برای ایشان احترام زیادی قائل هستم. فیلمنامه خوبی بود و این را دوست داشتم. در کلیات واقعا تغییراتی نداشتیم ولی در جزئیات به‌خاطر لوکیشن چون شبیه لوکیشنی نبود که در فیلمنامه نوشته شد، تغییراتی داشتیم. تغییرات در اصل داستان نبود. شاید آقای فرهادی چیز دیگری در ساخت مدنظر داشتند.

مثلا دیالوگ عوض شده است؟ خیلی جزیی بود و فکر نمی‌کنم در حدی بود که بخواهد این واکنش را به‌همراه داشته باشد.

ما مادرها را در سربال‌ها مهربان و فداکار دیده‌ایم ولی در این سربال جنس و نوع دیگری از فداکاری را می‌بینیم که با گناه و عذاب وجدان همراه است یعنی یک مادر همچنان فداکار است اما جنس متفاوتی است. گناهی می‌کند که جمعی را گرفتار می‌کند یا انتخابی را می‌کند که شاید سال‌ها بعد درگیر آن است. آن خانه نیز نماد این رابطه‌ای است که بد شکل گرفته است. برخی ادعا دارند که این نگاه توهمین به جایگاه مادر و زن است.

من فکر نمی‌کنم توهمین باشد. هر کسی باید از دید خود ببیند. اتفاقی که برای من افتاد، این بود که سعی کردم با آدم‌هایی که سربال را دیده‌اند و مادر هستند، صحبت کنم. ابتدا از همه سوال می‌پرسمید که به نظر شما پوران کار درستی کرده است؟ برخی می‌گفتند بله، برخی می‌گفتند خیر. از آنها می‌پرسمید که بچه شما باشد و بدانید این‌طور است، چه کار می‌کنید؟ پوران یعنی خواست با نیت قتل این کار را بکند. اگر شما بوبدید چه کار می‌کردید؟ همه در این‌باره تامل می‌کردند. یعنی این‌طور بود که واقعا انتخاب سختی برای پوران بود. او در لحظه عجیبی قرار گرفت که از یک‌سو مرگ بچه است و برای یک مادر قابل‌قبول نیست و از سوی دیگر تصمیمی که باید می‌گرفت که درست و غلط آن، همه را به فکر فرو می‌برد. واقعا پوران باید چه کار می‌کرد؟ این تصمیمی نیست که بتوان به‌راحتی از آن گذشت و بگوییم نباید این کار را می‌کرد. شاید تصمیم اشتباهی است ولی اگر هر مادری در آن موقعیت قرار بگیرد با خود بگوید من نتوانستم در را روی او می‌بندم و حل می‌شود. نمی‌توان راحت تصمیم گرفت.

**«آگهی تجدیدمزاییده عمومی ضایعات انبار مرکزی»**

**نوبت اول**

سازمان تامین اجتماعی درنظر دارد ضایعات خود به شرح جدول ذیل را به صورت مجزا از طریق تجدید مزایده عمومی در بستر سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره ثبت ستاد ۰۳۰۵۷۹۷۰۰۰۰۵۹۹۰۱ به فروش رساند.کلیه مراحل برگزاری مزایده اعم از دریافت، تحویل اسناد،ارائه پیشنهاد قیمت و تعیین برنده مزایده از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس اینترنتی [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد.

ردیف	شرح کالا	مقدار تقریبی	مبلغ تضمین	ردیف	شرح کالا	مقدار تقریبی	مبلغ تضمین
۱	ضایعات آلومینیوم	۴ تن	۴۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۵	ضایعات پارکت	۳/۳ تن	۴۵۶,۰۰۰ ریال
۲	ضایعات استیل	۵/۵ تن	۱,۰۱۰,۰۰۰ ریال	۶	ضایعات شیشه	۵ تن	۳۵۰,۰۰۰ ریال
۳	ضایعات پکینگ چنپر	۱۵ تن	۲۴,۷۵۰,۰۰۰ ریال	۷	صفحات (تابل) فلزی چوبی	۸۰۰ عدد	۷,۹۸۰,۰۰۰ ریال
۴	ضایعات کابل شبکه	۵/۵ تن	۴,۰۵۰,۰۰۰ ریال				

**(الف) دریافت اسناد مزایده :** شرکت کنندگان می توانند با مراجعه به آدرس اینترنتی [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) از تاریخ **۱۳۹۹/۱۰/۰۳** لغایت **۱۳۹۹/۱۰/۱۵** روز چهارشنبه، از طریق سامانه نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام، و تا ساعت **۱۴** روز یکشنبه مورخ **۱۳۹۹/۱۰/۲۱** با ارائه شماره ثبت ستاد وکارت شناسایی مقتربر نسبت به بازدید از ضایعات، به آدرس مندرج در اسناد مزایده اقدام نمایند.

**(ب) نوع سبرده و تضمین شرکت در مزایده :** شرکت کنندگان نسبت به پرداخت مبلغ تضمین که میزان آن نسبت به هر ردیف در سامانه تدارکات اجتماعی بنام اداره حسابداری غیرپرستنی، چک بین بانکی به نام سازمان و یا ارانه ضمانت نامه معتبر بانکی با اعتبار سه ماهه و قابل تمدید تا شش ماه، طبق ضوابط مربوطه اقدام و ضمن بازگذاری تضمین مزبور در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت، به همراه برگ شرایط شرکت تا مزایده تکمیل و پس از امضا، در موعد مقرر طبق اسناد مزایده، به نشانی تهران، خیابان آر آدی، جنب وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی پلک **۳۵۹**، ساختمان ستاد مرکزی طبقه هفتم دبیرخانه اداره کل حراست سازمان تامین اجتماعی (با عنوان پاکت «الف» مزایده عمومی ضایعات، طبق فرمت بارگذاری شده در سامانه) تحویل و رسید دریافت نمایند.

**(ج) تحویل و بار گذاری اسناد مزایده :** شرکت کنندگان می بایست با توجه به مندرجات اسناد، مدارک لازم را تهیه و مستندات مورد درخواست را مطابق ضوابط و مقررات حاکم بر سامانه یاد شده تا ساعت **۱۴/۳۰** روز دوشنبه مورخ **۱۳۹۹/۱۰/۲۲** در سامانه درج نمایند.

**(د) زمان و محل برگزاری مزایده و تعیین برنده :** زمان برگزاری مزایده و ارائه پیشنهاد قیمت از سوی شرکت کنندگان در سامانه ستاد ایران، ساعت **۱۰** صبح روز سه شنبه مورخ **۱۳۹۹/۱۰/۲۳** در محل سالن کنفرانس سازمان تامین اجتماعی به نشانی تهران، خیابان آر آدی جنب وزارت تعاون و رفاه اجتماعی پلک **۳۵۹** ساختمان میبری، طبقه دوم مطابق زمانبندی مندرج در سامانه خواهد بود. لازم به تاکید است که به پیشنهادهای واصله خارج از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به هیچ عنوان ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ضمناً آگهی در سایت اینترنتی مزایده [www.Tamin.ir](http://www.Tamin.ir) نیز در دسترس عموم بوده وشرکت کنندگان می توانند جهت اطلاع بیشتر با شماره **۴۶۵۰۳۴۷۵** تماس حاصل نمایند.

**۱۳۹۹/۱۰/۲۱**

**سازمان تامین اجتماعی**